

تحلیل مقایسه‌ای اثرات الگوهای اسکان مجدد پس از وقوع مخاطرات طبیعی بر کیفیت زندگی

روستاییان (مورد مطالعه: زلزله سال ۱۳۷۶ شهرستان زیرکوه)

علی‌اکبر عنابستانی^۱ - استاد گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مهدی جوانشیری - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

هانیه حق‌پناه - کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۶/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۷

چکیده

مخاطرات طبیعی به‌خصوص زلزله در اغلب موارد، تلفات سنگین جانی و مالی بر سکونتگاه‌های انسانی وارد می‌سازد. اسکان مجدد در قالب سه رویکرد بازسازی (درجاسازی)، جابه‌جایی و تجمیع، یکی از رویکردهای اصلی برای بازسازی سکونتگاه‌های روستایی پس از وقوع زلزله است. هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی تأثیرات الگوهای سه‌گانه اسکان مجدد روستاهای آسیب‌دیده از زلزله ۱۳۷۶ شهرستان زیرکوه بر میزان کیفیت زندگی ساکنان جوامع روستایی است. جامعه آماری این پژوهش، خانوارهای محلی ساکن در ۶ نقطه روستایی محدوده مطالعاتی است که با راهبردهای سه‌گانه اسکان مجدد (جابه‌جایی، تجمیع یا ادغام و درجاسازی یا بازسازی) همراه بوده‌اند؛ که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۴۴ سرپرست خانوار به‌عنوان حجم نمونه و به روش تصادفی ساده تعیین شدند. پایایی پرسش‌نامه تهیه‌شده با استفاده از فرمول ویژه آلفای کرونباخ و مقدار آلفای ۰/۸۸۵ مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های T تک نمونه‌ای و تحلیل واریانس انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد سیاست‌های اسکان مجدد روستاها توانسته بهبود نسبی در کیفیت زندگی ساکنان روستایی با میانگین ۲,۵۷ ایجاد کند که در بعد اجتماعی- فرهنگی با میانگین ۲,۷۱۷ بالاترین و در بعد اقتصادی با میانگین ۲,۱۵ کمترین سطح رضایت‌مندی از شرایط موجود وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون آنالیز واریانس نیز، سطح کیفیت زندگی روستاییان در سه الگوی اسکان مجدد تفاوت معناداری نداشته ولی سطح معناداری در ۷ شاخص کیفیت اشتغال، کیفیت درآمد، کیفیت آموزش، کیفیت مشارکت، کیفیت انسجام اجتماعی، کیفیت زیرساخت و

کیفیت محیط پایین‌تر از ۰,۰۵ است؛ بنابراین سطح رضایت‌مندی پاسخگویان از کیفیت زندگی در هر سه الگوی اسکان مجدد تا حدودی یکسان است.

کلیدواژه: زلزله، بازسازی، جابه‌جایی، تجمیع، کیفیت زندگی، شهرستان زیرکوه.

۱. مقدمه

از هنگامی که انسان پا به عرصه حیات در روی کرهٔ خاکی گذاشت، همواره طبیعت او را به چالش کشیده است (کراوسمان^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) و همه‌ساله مخاطرات طبیعی، خسارت‌های گسترده‌ای را به‌ویژه در کشورهای رو به توسعه باعث می‌شوند و شواهد موجود نیز حکایت از افزایش مداوم وقوع انواع بحران‌های طبیعی از نظر شدت و فراوانی دارند (آلدریچ^۲، ۲۰۱۲). بررسی تاریخ حیات کرهٔ زمین نیز نشان می‌دهد که مدام حوادث ناخواستهٔ طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، رعدوبرق، رانش زمین، تگرگ و غیره زندگی انسان‌ها را به چالش کشیده است. در این میان زلزله به‌عنوان پدیده‌های تکرارپذیر و غیرقابل پیشگیری در طول حیات کرهٔ زمین همواره وجود داشته است. این بلای طبیعی همیشه به‌عنوان خطری جدی جوامع انسانی را تهدید نموده و در اثر وقوع آن چه‌بسا شیرازهٔ بسیاری از جوامع از هم‌گسسته است (پاتون^۳ و همکاران، ۲۰۱۰).

بنابراین همهٔ جوامع در برابر عوارض بلایای طبیعی آسیب‌پذیر هستند و این می‌تواند کیفیت زندگی جوامع را دست‌خوش تغییر کند؛ ولی میزان این آسیب‌پذیری^۴ از مکانی به مکان دیگر متفاوت است (اوغابوه^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). بافت‌های روستایی نیز از ارکان مهم فضاهاى سکونتگاهی در بستر طبیعت می‌باشند (راشد و ویکس^۶، ۲۰۰۳) که به دلایلی با آسیب‌پذیری بالایی روبه‌رو هستند. در اغلب موارد مخاطرات طبیعی، تأثیرات مخربی بر سکونتگاه‌های انسانی داشته و تلفات سنگین جانی و مالی بر ساکنان آن وارد می‌سازد (راشد و ویکس، ۲۰۰۳). هر ساله با افزایش میزان وقوع مخاطرات طبیعی در جهان، افراد بی‌شماری بیخانمان می‌شوند. تنها در سال ۲۰۱۵ میلادی بالغ بر ۷۳۹۵۴ نفر بر اثر بروز بلایای طبیعی در جهان جان خود و بیش از ۲,۹ میلیون نفر نیز سکونتگاه‌های خود را از دست داده‌اند (ای‌ام-دات^۷، ۲۰۱۶). از طرفی بررسی آمار وقوع بلایای طبیعی و تلفات ناشی از این حوادث نشان می‌دهد که بخشی عمده از این‌گونه حوادث را زلزله تشکیل داده است. بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی تنها در طول یک قرن گذشته بیش از ۱۱۵۰ مورد زمین‌لرزه مرگبار در ۷۵ کشور جهان رخ داده است (باترلوس^۸ و همکاران، ۲۰۱۲) و طی

1 Krausmann et al

2 Aldrich

3 Paton et al, 2010: 185

4 Vulnerability

5 Ogaboh & et al

6 Rashed & Weeks

7 EM-DAT

8 Bathrellos et al

دهه گذشته کشورهای آسیایی بیش‌ترین تعداد قربانیان بلایای طبیعی را به خود اختصاص داده‌اند (گوها ساپیر^۱، ۲۰۱۳).

کشور ایران نیز همواره به خاطر داشتن ساختارهای مکانی - فضایی ویژه، بحران‌های طبیعی زیادی را متحمل شده و یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط جهان در برابر مخاطرات محیطی و از جمله زلزله بوده است. به‌عنوان مثال بررسی آمار موجود در تاریخ زلزله‌های ۱۰۰ سال اخیر کشور ایران نیز نشان می‌دهد که در طول یک قرن اخیر، حدود ۲۱ زلزله بالای ۵ ریشتر ثبت شده که در مجموع بالغ بر ۶۰۰۰۰۰ نفر کشته داشته است. علاوه بر این حدود بیش از ۶۶۰ روستا به‌صورت صد درصد تخریب شده است. علاوه بر این از بین کل کشته‌ها نیز بیش از ۷۲ درصد جان‌باختگان را افرادی تشکیل دادند که ساکن در جوامع روستایی بوده است (حیدری ساریان، ۱۳۹۳ به نقل از قاعد رحمتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). میزان آسیب‌پذیری فضاهای روستایی کشور به دلایلی نظیر زیرساخت‌های نامناسب و نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی موجود، پایین بودن کیفیت مسکن، پایین بودن سطح استفاده از تکنولوژی، عدم رعایت ضوابط مکان‌یابی و غیره در مقابل مخاطرات طبیعی با رشد فزاینده‌ای روبه‌رو است (واچینگر^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). پس از وقوع سوانح گوناگون و پیامدهای مالی و جانی متأثر از آن، انتخاب‌های مهمی پیش روی قرار دارد که از آن جمله تصمیم‌گیری در مورد چگونگی مداخله در سکونتگاه‌های روستایی و اتخاذ سیاست‌های بازسازی است (گرگانی و رحیم بخش، ۱۳۹۳). بنابراین امروزه با توجه به آسیب‌پذیری روستاها در ابعاد مختلف مکانی - فضایی، سیاست اسکان مجدد یکی از انواع رویکردهای مدیریتی در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی است که به‌منظور توسعه روستایی و به ویژه نظام بخشی به توزیع بهینه نقاط روستایی و تأمین امکانات و خدمات موردنیاز روستاییان و درنهایت حفاظت از روستاییان در برابر انواع خطرات مطرح شده است (اوگابوه و همکاران، ۲۰۱۰؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵). این مداخله به صورت چهار الگوی درجاسازی^۳، جابه‌جایی^۴، توسعه پیوسته^۵ و یا تجمع و ادغام^۶ برای بازسازی روستاهای آسیب‌دیده یا تخریب شده است (نیاستی و گرگانی، ۱۳۹۷: ۶۸ به نقل از: رحمتی، ۱۳۸۵).

در سیاست ادغام یا یکپارچه‌سازی مناطق سکونتی آسیب‌دیده، سکونتگاه‌های کوچک و متفرق، خصوصاً سکونتگاه‌هایی که آسیب فراوانی را متحمل شده‌اند و یا اینکه به علت تفرق زیاد از دیدگاه سرویس‌دهی مجدد و تأمین زیرساخت‌های جدید با اشکال اساسی روبه‌رو هستند در یک مکان جدید (بدون زمینه سکونت قبلی) مجتمع شده و یا چند روستا در یک روستای دیگر ادغام شده و بازسازی در آن مکان ویژه صورت می‌گیرد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱)؛ اما در روش درجاسازی یا همان بازسازی، روستا در محل اصلی خود مورد بازسازی قرار گرفته

1 Guha Sapir

2 Wachinger et al

3 In-site Reconstruction

4 Relocation

5 Continuous development

6 Aggregation

است. عملیات درجاسازی (بدون تغییر مکان) به منظور ارتقای کیفی محیط زیست و زیرساخت‌های موجود و تهیه و تدارک خدمات اجتماعی و اجرای برنامه‌های اقتصادی جهت رفاه افراد لازم الاجرا است که بافت قبلی روستا به صورت باغچه-منزل باشد و وابستگی خانوار به محوطه منزل موجود، زیاد باشد. در این روش ممکن است در نزدیکی سکونتگاه هیچ‌گونه زمین مناسب برای بازسازی وجود نداشته باشد و یا نیازی به انتقال نباشد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱). از دیگر شیوه‌های بازسازی در نواحی آسیب‌دیده، جابه‌جایی مراکز سکونتی تخریب‌شده است، که در این شیوه به علت حجم زیاد تخریب‌های ایجادشده و یا به سبب حرکات شدید و ایجاد لرزش‌های زمینی (در مورد زلزله)، در صورت مساعد و مناسب بودن اراضی پیرامون روستا، مکان سکونتی به نقطه‌ای در جوار مکان قبلی انتقال یافته و اقدام به ساخت می‌کنند (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۲). این الگو به دلیل مشکلات اجتماعی و اقتصادی در اولویت آخر اسکان مجدد قرار دارد (پتاکوا، ۲۰۱۲).

اندیشمندان و محققین بسیاری معتقدند که در بین الگوهای فوق، تجمع و ادغام دارای مزیت صرفه‌جویی اقتصادی در عرضه امکانات و خدمات است (افتخاری و بدری، ۱۳۸۲؛ فتحی و مطلق، ۱۳۸۹؛ منتظریون، ۱۳۹۰) بینش حاکم باعث شده که به پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی آن کمتر توجه شود. به نظر می‌رسد که این بی‌توجهی سبب شده است که به‌کارگیری و اجرای طرح‌های جابه‌جایی و تجمع سکونتگاه‌های روستایی با تغییر میزان آسیب‌پذیری آنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی همراه بوده و روند رشد آسیب‌پذیری جامعه تحت تأثیر را در برابر سوانح آتی افزایش دهد (اورونی، ۲۰۱۱). پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک جابه‌جایی بر اساس تصمیمی شتاب‌زده، می‌تواند بر سرنوشت چند نسل حاکم باشد؛ بنابراین بهتر است تأمین ایمنی و کیفیت زندگی سکونتگاه‌های روستایی در اولویت قرار گیرد.

در اینجا ذکر این نکته نیز ضروری است که سیاست‌های اسکان مجدد، به منظور توسعه روستایی به‌ویژه نظام بخشی به توزیع بهینه نقاط روستایی و تأمین امکانات و خدمات مورد نیاز روستایان مطرح شده است و بر دو موضوع رفاه و کیفیت زندگی تمرکز دارد (بایکن لوینت و نیچ کمپ^۳، ۲۰۰۶؛ غفاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۳). در واقع یکی از رویکردهای نوین به مفهوم توسعه، مطرح‌شدن شاخص‌های کیفیت زندگی است. یک محیط باکیفیت بالا، احساس رضایتمندی و رفاه را به جمعیتش (لانسینگ و مارانس^۴، ۱۹۶۹) از طریق خصوصیات کالبدی، اجتماعی یا اقتصادی منتقل می‌کند (جی و هوکاو^۵، ۲۰۰۶؛ پول^۶، ۱۹۹۷)، که توجه به این شاخص‌ها را در اجرای سیاست‌های مذکور ضروری کرده است.

1 Ptackova

2 Oruonye

3 Baycanlevent and Nijkamp

4 Lansing and Marans

5 Ge & Hokao

6 Poll

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی همچون زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد و وضعیت آن به میزان توسعه‌یافتگی جوامع وابسته است (رضوانی و منصوریان، ۲۰۱۳: ۱۴۸). برخی آن را به‌عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به‌عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (اپلی و منون^۱، ۲۰۰۸). در چند دهه اخیر، شناخت، اندازه‌گیری و بهبود کیفیت زندگی از اهداف عمده افراد، محققان، برنامه‌ریزان و دولت‌ها بوده است. (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ۲؛ قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۳).

مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که محققان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در خصوص نیاز به مطالعه کیفیت زندگی در نواحی روستایی با یکدیگر توافق دارند. این مطالعات غالباً وظایفی کلیدی از قبیل آگاه کردن شهروندان، گروه‌های اجتماعی و سیاست‌گذاران از روندهای کیفیت زندگی را بر عهده‌دارند. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی کمک کند و درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماع را برای برنامه‌ریزان و مدیران به‌منظور ارتقای کیفیت زندگی ساکنین این نواحی تسهیل سازد (لی^۲، ۲۰۰۸). علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسئله‌دار، علل نارضایتی مردم، تأثیر فاکتورهای اجتماعی - جمعیتی بر کیفیت زندگی و پیش و ارزیابی کار آیی سیاست‌ها و استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی منجر شود (سانتوس و مارتینز^۳، ۲۰۰۷). عواملی از قبیل بروز سوانح و حوادث طبیعی، کاهش اشتغال و درآمد، فاصله زیاد و انزوای جغرافیایی، تغییر بافت و ساختار جمعیتی و ... اجرای سیاست‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی روستایی را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند (پاپانیکولائو^۴ و دیگران، ۲۰۱۲).

بررسی تجارب مختلف در زمینه اسکان مجدد نیز حاکی از آن است که به علت فقدان قوانین و دستورالعمل‌های مربوط به چگونگی مداخله در سکونتگاه‌های روستایی و از سویی نبود تعریفی فراگیر از مفاهیم درجاسازی و جابه‌جایی در سیاست‌های مداخله‌ای، ابهام در کاربرد این رویکردها و عدم مشارکت روستاییان در فرایند بازسازی روستای جدید، پیامدهای جابه‌جایی به‌گونه‌ای بوده که عموماً بازماندگانی که جابه‌جا شده‌اند، از جابه‌جایی رضایت نداشته و جابه‌جایی اغلب به از دست دادن خودتکایی و حس تعلق به مکان در روستاییان و در مواردی خالی از سکنه ماندن واحدهای احداثی در روستای جدید، منجر شده است (مسگری هوشیار، ۱۳۸۷)، از طرفی چنانچه جابه‌جایی و اسکان مجدد سکونتگاه‌های روستایی بدون ارائه آگاهی‌های لازم به روستاییان و جلب اعتماد آنان صورت پذیرد، مشکلات فوق را دوجندان می‌نماید. به عبارتی سرمایه‌های اجتماعی ساکنان روستاهای زلزله‌زده در صورت شناخت و هدایت می‌تواند فرآیند اسکان مجدد را تسریع و تسهیل نموده و در غیر این صورت طرح‌های اسکان

1 Epley & Menon

2 Lee

3 Santos and Martins

4 Papanikolaou et al

مجدد را با شکست مواجه می‌سازد؛ بنابراین در اجرای این سیاست‌ها، توجه به تمام جنبه‌های مثبت و منفی ضروری بوده تا سیاستی انتخاب شود که بهترین عملکرد را بر کیفیت زندگی افراد داشته باشد.

جدول ۱- مزایا و معایب راهبردهای اسکان مجدد

سیاست‌ها	مزایا	معایب
تجمع	امکانات دهی بهتر، امکان برنامه‌ریزی با نظم و ترتیب در ساخت‌وساز، تمرکز جمعیت، تحرک اقتصادی، بهبود شرایط فرهنگی، کاهش خطرات آتی	دور افتادن برخی از روستاها از اراضی کشاورزی، از بین رفتن فعالیت‌های معیشتی، ناهمگونی اجتماعی
جابه‌جایی	برنامه‌ریزی و طراحی بهتر، کاهش خطرات آتی، نظم و ترتیب در ساخت‌وساز	دور افتادن روستاها از اراضی کشاورزی
درجاسازی	حفظ هویت روستا، دسترسی به امکانات زیربنایی، دسترسی به امکانات خدماتی	عدم امکان بازسازی به نحو مطلوب، تغییر در شغل افراد، تغییر در میزان درآمد، تغییر کاربری زراعی، تخریب مراتع، تغییر در الگوی مسکن روستایی

مأخذ: پهلوان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱

بررسی تجربیات سایر کشورها و نیز تحقیقات انجام‌گرفته، ضروری‌ترین نیاز هر پروژه تحقیقاتی و پژوهشی است که باید مورد مطالعه قرار گیرد. تاکنون مطالعات متعددی در زمینه بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی اجرای طرح‌های اسکان مجدد صورت گرفته است در جدول شماره ۲ به خلاصه‌ای از این تحقیقات اشاره شده است.

جدول ۲- خلاصه‌ای از مطالعات صورت گرفته پیرامون اثرات اجرای سیاست‌های بازسازی مناطق آسیب‌دیده

پژوهشگر	نتایج
لوچی ^۱ (۲۰۱۴)	اقدام به بررسی عوامل مختلف تأثیرگذار بر اسکان مجدد در زلزله کشور ژاپن نموده و به این نتیجه رسیدند که تعامل بین دولت و مردم آسیب‌دیده، تعامل خانواده‌ها با یکدیگر، سرعت برنامه‌ریزی و دینامیک ارتباطی جامعه روستایی در موفقیت الگوهای اسکان مجدد نقش مثبت و سازنده داشته است.
فلمینگ ^۲ و همکاران (۲۰۱۴)	به صورت تجربی اقدام به بررسی نتایج زلزله در میان روستاییان زلزله‌زده کشور شیلی در سال ۲۰۱۰ نموده و به این نتیجه رسیدند که رابطه متقابلی بین میزان سرمایه اجتماعی و از جمله روابط متقابل، رعایت هنجارهای اجتماعی، نوع نگرش مردم به همدیگر و مشارکت روستاییان در بازسازی و مرمت روستاهای حادثه‌دیده از زلزله وجود دارد.
حسن افراخته (۱۳۷۶)	در برنامه‌ریزی توسعه همه‌جانبه روستایی لازم است به‌طور هم‌زمان به جنبه‌های اصلی توسعه یعنی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، رفاهی و ساماندهی توجه کافی مبذول شود و مشارکت فعال افراد بومی، هم در تصمیم‌گیری و هم در اجرا تأمین گردد.

1 Iuchi

2 Fleming

پژوهشگر	نتایج
رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۸۲	به دلیل عدم توجه جدی به امور اشتغال‌زایی و محدودیت منابع آب و خاک از یک‌سو و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی محدودی که در بخش خدمات دولتی ایجاد شده از سوی دیگر، اجتماعات جابه‌جا شده به بهره‌برداری مجدد منابع موجود در مکان‌های قبلی روی آورده و همچنان به مهاجرت‌های فصلی به سایر مکان‌ها از جمله شهرهای بزرگ ادامه می‌دهند.
تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸	نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که توجه به معماری بومی و سنتی هر منطقه و حتی هر روستا ضمن بررسی و در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر شکل کالبد سکونتگاه‌های روستایی می‌تواند منجر به خلق فضایی باکیفیت و متناسب با نیازهای زندگی روستائینشان در چارچوب عوامل مادی و معنوی گردد.
محمدی استاد کلاهی و همکاران، ۱۳۹۱	در بررسی روستاهای جابه‌جا شده شرق استان گلستان دریافتند که اجرای الگوهای اسکان مجدد در این روستاها منجر به بهبود ابعاد کیفیت زندگی و از جمله متغیرهایی مانند اعتماد اجتماعی، همزیستی و غیره؛ که به‌عنوان فصل مشترک کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی هستند، شده است
فال سلیمان و همکاران، ۱۳۹۱	پس از بررسی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه و روند به سازی آن، فضاهای روستایی اولویت‌دار از میان ۳۵۷ کانون روستایی شهرستان تعیین شد که باید در رأس توجه سازمان‌های مربوطه برای انجام مقاوم‌سازی قرارگیری. نتایج تحقیق نشان می‌دهد روستاهای حذفاصل شهرهای زهان و اسفدن (یعنی افین) و غربی‌ترین روستای شهر قائن (یعنی شهرک هاشمیه) قرار می‌گیرد؛ در اولویت دوم: روستاهای واقع در بین شهرهای اسفدن، حاجی‌آباد (به‌ویژه جنوب) و زهان قرار دارد.
پهلوان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱	نتایج بررسی‌ها در شهر پیش کمر نشان داد ۷۳ درصد پاسخگویان از کیفیت زندگی‌شان بعد از تجمیع روستاها به شهر راضی و تنها کمتر از ۴ درصد افراد از کیفیت زندگی‌شان ابراز نارضایتی کردند. ارزیابی رضایت از قلمروهای مورد استفاده در این مطالعه نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان در شهر پیش‌کمر بیش‌ترین میزان رضایت را از قلمرو آموزش و کمترین میزان رضایت را از قلمرو اشتغال داشته‌اند.
رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲	با توجه به اهمیت کیفیت زندگی در توسعه و بهزیستی اجتماعات انسانی، لازم است در طرح‌های اسکان مجدد علاوه بر مکان‌یابی بهینه روستایی، اثرات و پیامدهای آن بر وضعیت کیفیت زندگی روستائیان مورد توجه ویژه قرار گیرد، تا ضمن شناسایی نقاط قوت و ضعف این طرح‌ها، بهبود وضعیت رفاه ساکنین از جنبه‌های مختلف ارتقا یابد.
محمدی استاد کلاهی و همکاران (۱۳۹۳)	نتایج پژوهش نشان داده است که بین الگوهای جابجایی و جابجایی توأم با ادغام با متغیرهای توسعه اجتماعی و از جمله سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴. الف	نتایج پژوهش نشان می‌دهد تجمیع روستاها توانسته بهبود چشمگیری در کیفیت زندگی ساکنان روستایی ایجاد کند. در چهار مجتمع مورد مطالعه به‌جز در شاخص درآمد و ثروت در ۹ شاخص دیگر روند مثبتی مشاهده می‌شود که این به دلیل عدم توجه به امر اشتغال‌زایی و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی از یک‌جهت و محدودیت منابع آب و خاک از سوی دیگر است.
حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴. ب	یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در بین معیارهای مستحب برای بررسی پیامدهای راهبردهای اسکان مجدد میزان انسجام اجتماعی، همبستگی اجتماعی، احساس تعلق مکانی، تغییر الگوی مسکن و دسترسی به خدمات در رویکرد درجاسازی بهتر و مناسب‌تر از رویکرد جابجایی است، در صورتی که در معیارهای همچون تغییر شغل، میزان درآمد، تخریب مراتع، تغییر کاربری اراضی زراعی رویکرد جابجایی مناسب‌تر است.

پژوهشگر	نتایج
محمدی اسنادکلیه و همکاران (۱۳۹۶)	بین الگوهای اسکان مجدد در زمینه میزان تغییرات زیست پذیری، تفاوت معناداری وجود ندارد. مهم ترین یافته تحقیق بدین قرار است که فارغ از انتخاب هر الگویی برای اسکان مجدد، توجه به وجود شرایط زیستی در محل جدید جهت قرار گرفتن شرایط کار و زندگی مردم در یک سکونتگاه زیست پذیر از بیشترین اهمیت برخوردار است و باید تلاش برنامه ریزان بر فراهم ساختن کیفیت مناسب زندگی در سکونتگاه جدید - با هر الگویی از اسکان مجدد- باشد.
حیدری ساریان و همکاران (۱۳۹۵)	بین الگوهای اسکان مجدد تفاوت معنی داری در سطح ۰,۰۰۰ در زمینه میزان تغییرات سرمایه اجتماعی وجود داشته است. علاوه بر این یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی در الگوی بازسازی بیشتر از دو الگوی دیگر است. علاوه بر این سطح همبستگی متغیرهای مشارکت همبستگی و انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی به ترتیب برابر با ۰,۷۹۵، ۰,۳۵۴ و ۰,۳۲۴ بوده است.
نیاستی و گرکانی (۱۳۹۷)	بررسی‌ها نشان‌دهنده افزایش میزان آسیب‌پذیری شهر فراغی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کاهش میزان آسیب‌پذیری کالبدی - محیطی آن نسبت به سه روستا است. از آنجاکه کاهش آسیب‌پذیری منوط به کاهش خسارات در تمامی ابعاد است؛ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، بازسازی پس از سیل ۱۳۸۴ استان گلستان نه تنها در کاهش میزان آسیب‌پذیری شهر فراغی نسبت به سه روستای موردبررسی، موفق نبوده بلکه بر روند رو به رشد آسیب‌پذیری آن مؤثر بوده است.

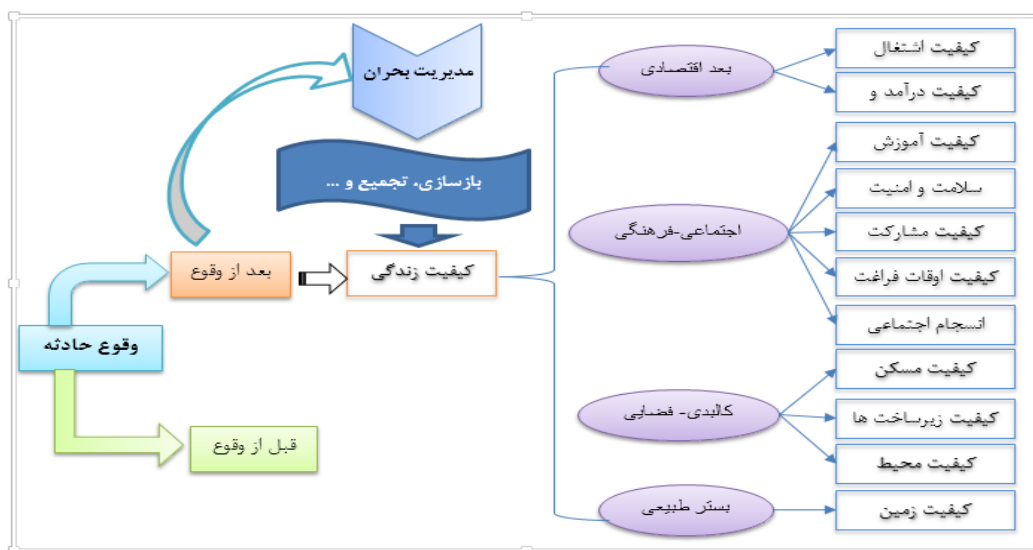
همان‌طور که عنوان شد در رابطه با اثرات اسکان مجدد مطالعات متعددی انجام شده است اما در رابطه با منطقه مورد مطالعه به استثناء مطالعات محدود به عمل آمده از سوی سازمان‌ها و نهادهای مختلف در بعضی از روستاهای منطقه تاکنون تحقیقات دقیق علمی و درعین حال گسترده‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. در مطالعه حاضر با ارزیابی اثرات راهبردهای اسکان مجدد پس از رویداد زلزله در بهبود کیفیت اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و فضایی کالبدی زندگی روستائیان با استفاده از شاخص‌های ذهنی، سطوح رضایت در ۱۱ شاخص موردبررسی قرار گرفته است؛ که در مطالعات گذشته کمتر به آن توجه شده است.

شهرستان قاینات و زیرکوه دارای گسل‌های فعال زیادی است. گسل‌های کریزان، دشت بیاض و چاهک تابه‌حال خسارت‌های جانی و مالی فراوان به همراه داشته‌اند. در طی صدسال اخیر در این منطقه ۱۵ زلزله به بزرگی ۵ تا ۷/۴ ریشتری به وقوع پیوسته و بیشترین تعداد زلزله‌های خراسان بزرگ مربوط به این منطقه بوده است و این در حالی است ۶۷/۹ درصد مسکن منطقه کم‌دوام می‌باشند (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۷۹). شهرستان زیرکوه در استان خراسان جنوبی یکی از مناطقی است که در پی وقوع زلزله شدید ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۶ با شدت ۷/۱ ریشتر، دچار آسیب‌دیدگی‌های شدید جانی، مالی و اجتماعی گردید. به دنبال وقوع این زمین‌لرزه، بنیاد مسکن انقلاب اسامی خراسان که متولی ساخت و ساز روستاهای سانحه دیده است، به دلیل محدودیت امکانات و عدم وجود توان اجرایی کافی و مناسب در ارائه خدمات و امکانات به تمامی روستاهای بخش زیرکوه از یک‌سو و دورافتادگی، پراکندگی و جمعیت اندک و تعدد روستاهای تخریب‌شده از سوی دیگر، سیاست تجمیع و ادغام که ظاهراً دارای مزیت‌ها و صرفه‌های اقتصادی

در جهت ارائه خدمات و امکانات است را مورد توجه قرارداد. بر این اساس بینش حاکم بر اجرای طرح‌های تجمیع و ادغام باعث شده که پیامدها و عواقب اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی آن کمتر مورد توجه قرار گیرد (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۱۲۲). طبق مستندات و صورت‌جلسه‌های موجود و اظهارات دست‌اندرکاران و کارشناسان، در بخش زیر کوه روستاهایی قرار بود در هم تجمیع و ادغام گردند تعداد ۲۷ روستا در ۱۴ مجتمع بوده است اما از این تعداد در حال حاضر فقط ۱۳ روستا در ۴ مجتمع به نام‌های حاجی‌آباد، بارنجگان، مهمانشهر و گمنج به مرحله اجرا درآمده‌اند. طراحی و اجرای ضرب‌الاجلی طرح‌های تجمیع توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به خاطر ضرورت رسیدگی به موقع به روستاهای آسیب‌دیده سبب شده است که به برخی از عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی و رضایت‌مندی روستاییان از کیفیت زندگی در مجتمع‌های زیستی توجه کافی نگردد و در نتیجه ضمن بروز آثار سوء و نامطلوب، از میزان موفقیت برخی از این طرح‌ها کاسته شود (ایزدی خرامه، ۱۳۷۶: ۱۲).

رضایت از کیفیت زندگی در واحد سکونتگاهی به ساختارها و عوامل سازنده آن نظیر تسهیلات و ویژگی‌های کالبدی، حمل‌ونقل و... بستگی دارد (پول، ۱۹۹۷) اما در طرح‌های بازسازی به موازات تأمین نیازهای ساکنان روستایی متضرر از سانحه طبیعی، به بخشی از الزامات کیفی بی‌توجهی می‌شود؛ به این معنا که در فرآیند اجرای پروژه بازسازی روستاهای آسیب‌دیده به شیوه تجمیع و ادغام، به دلیل غلبه رفع نیازهای اولیه، به پارهای از ملاحظات کیفی توجه نمی‌شود. این امر باعث می‌شود که در یک فرآیند کوتاه‌مدت، محیط سکونتی با مشکلات فراوانی مواجه شود که منجر به نارضایتی ساکنان روستایی از محیط زندگی می‌گردد. لذا بررسی سیاست‌های اجرایی و تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی که طرح‌ها (ادغام، تجمیع، درجاسازی) بر کیفیت زندگی روستاییان داشته، ضروری است.

لذا در مطالعه حاضر با ارزیابی نتیجه سیاست‌های اسکان مجدد پس از رویداد زلزله در بهبود کیفیت اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و فضایی کالبدی زندگی روستاییان با استفاده از شاخص‌های ذهنی، سطوح رضایت در شاخص‌های ۱۱ گانه مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، مدل مفهومی برای ارزیابی و سنجش میزان رضایتمندی کیفیت زندگی ناشی از سه راهبرد تجمیع و ادغام، جابجایی و بازسازی روستاهای آسیب‌دیده واقع شده در شهرستان زیرکوه تهیه شده که در شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

بنابراین هدف از انجام این تحقیق، بررسی اثرات جابجایی، تجمیع یا ادغام و درجاسازی یا بازسازی روستاهای آسیب‌دیده از زلزله ۱۳۷۶ در شهرستان زیرکوه بر کیفیت زندگی ساکنین محلی از طریق مطالعه شاخص‌های ذهنی است و پرسش‌های تحقیق شامل موارد زیر است:

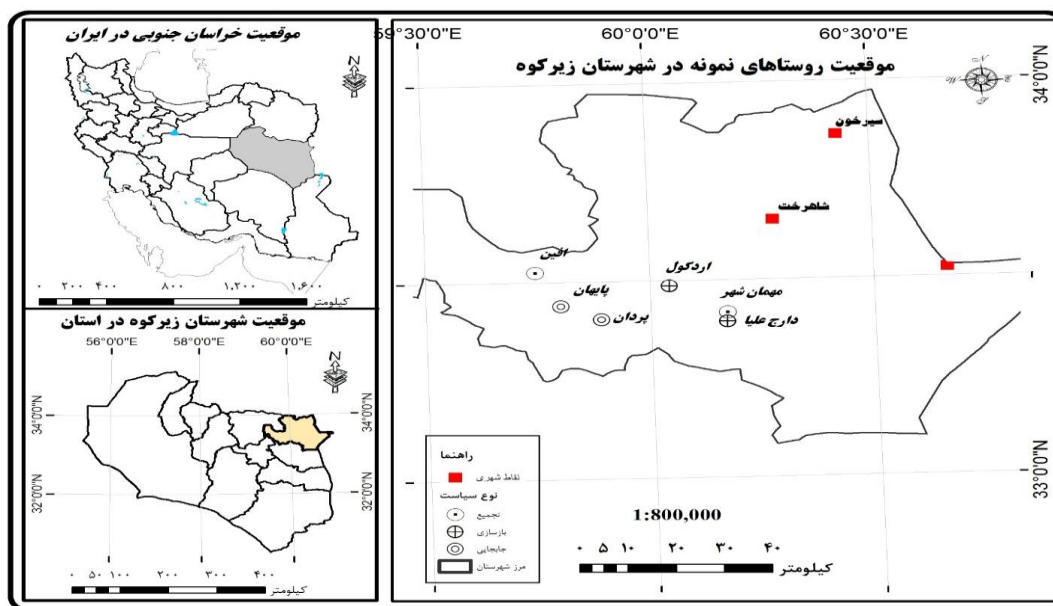
- راهبردهای اجرایی پس از زلزله (جابجایی، تجمیع یا ادغام و درجاسازی یا بازسازی) چه تأثیری بر کیفیت زندگی روستاییان داشته است؟
- بیش‌ترین و کمترین تغییر مثبت مربوط به کدام شاخص‌های کیفیت زندگی است؟
- آیا تفاوت معنی‌داری بین میزان رضایتمندی از شاخص‌های کیفیت زندگی در الگوهای اسکان مجدد وجود دارد؟

۲- مواد و روش‌ها

۲-۱- محدوده مورد مطالعه

شهرستان زیرکوه در شمال شرقی استان خراسان جنوبی قرار دارد و مرکز آن شهر حاجی‌آباد است. این شهرستان از شمال با خراسان رضوی و از جنوب با شهرستان در میان از غرب با شهرستان قاین و از شرق با افغانستان همسایه است. شهرستان زیرکوه شامل ۳ بخش، ۶ دهستان، و دو شهر به نام‌های زهان و حاجی‌آباد است. تعداد کل آبادی‌های این شهرستان ۱۳۸ آبادی بوده که از این تعداد ۱۰۳ آبادی دارای سکنه و ۳۵ آبادی خالی از سکنه است (معاونت برنامه‌ریزی استانداری خراسان جنوبی، ۱۳۹۳). محدوده مورد مطالعه در این تحقیق نواحی روستایی آسیب‌دیده در اثر

زلزله اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۶ است که ۶ روستای پردان، پایهان، افین، مهمان شهر، اردکول، دارج علیا با اجرای راهبردهای سه‌گانه اسکان مجدد (تجمیع، جابه‌جایی و درجاسازی یا بازسازی) به‌عنوان نمونه انتخاب شده است. موقعیت شهرستان زیرکوه و روستاهای نمونه در تقسیمات سیاسی بالاتر در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲- موقعیت روستاهای نمونه در منطقه مورد مطالعه. (مأخذ: استانداری خراسان جنوبی، ۱۳۹۵)

۲-۲- روش تحقیق

روش انجام تحقیق با توجه به ماهیت کار، توصیفی-تحلیلی است. در بخش اول جهت تعیین معیارهای مناسب با مطالعه اسناد کتابخانه‌ای به بررسی نظریه‌های پیرامون کیفیت زندگی و اسکان مجدد پرداخته، سپس با تلفیق آن‌ها، معیارهای بررسی سطح کیفیت زندگی سکونتگاه‌های روستایی جابه‌جاشده یا تجمیع شده انتخاب شد. در بخش دوم به شیوه میدانی با استفاده از ابزارهای مشاهده و پرسشنامه، داده‌های موردنیاز گردآوری شده است. از آنجاکه امکان تکمیل پرسشنامه برای تمامی روستاییان ممکن نبود، با کمک شیوه‌های دقیق آماری نمونه‌ای از این حجم انتخاب شد تا بتوان نتایج به‌دست‌آمده از آن را با ضریب اطمینان قابل قبولی به کل جامعه آماری تعمیم داد. واحد تحلیل روستاییان آسیب‌دیده از زلزله است. جامعه آماری تحقیق روستاییان آسیب‌دیده در زلزله سال ۷۶ بخش زیرکوه در ۶ روستای پردان، پایهان، افین، مهمان شهر، اردکول، دارج علیا با ۹۰۳ خانوار است؛ بنابراین جهت تعیین تعداد پرسشنامه موردنیاز (حجم نمونه) در تحقیق حاضر از فرمول کوکران استفاده شده است. با توجه به رابطه کوکران (سطح اطمینان ۹۵ درصد و ضریب خطای ۰،۰۵) تعداد ۱۴۴ خانوار به‌صورت تصادفی ساده برای تکمیل پرسشنامه

انتخاب و داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل شد. پرسش‌نامه‌های مورد استفاده اساساً از سؤالات بسته با پاسخ‌های در طیف لیکرت پنج مقیاسی (خیلی (۵) تا خیلی کم (۱)) استفاده شد و سؤالات در محدوده ۱۱ قلمرو عمده زندگی تعریف شدند. برای روایی آن چندین نسخه از آن را در اختیار گروهی از متخصصان شامل اساتید دانشگاه و کارشناسان مربوطه قرار گرفت و اصلاحات لازم بر حسب پیشنهادهای آن‌ها انجام شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه و برای سنجش پایایی آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. با توجه به این که میزان آلفا در این متغیر بالای ۰/۷ است، پایایی آن‌ها قابل قبول و مناسب ارزیابی می‌گردد. جدول شماره ۴ مقادیر آلفای کرونباخ را در ابعاد مختلف کیفیت زندگی روستایی نشان می‌دهد.

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و رفع نواقص احتمالی، اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه‌ها استخراج شده و در گام دیگر با استفاده از نرم‌افزار SPSS و انجام شیوه‌های مختلف آماری (آمار توصیفی و استنباطی) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. در پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر سیاست‌های اجرایی پس از زلزله در کیفیت و استانداردهای زندگی روستائیان، با توجه به نوع داده‌ها از آزمون‌های تی تک نمونه‌ای و تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) استفاده گردید.

جدول ۳- ویژگی‌های جمعیتی روستاهای مورد مطالعه در سال ۱۳۹۵

نام آبادی	دهستان	سیاست اجرایی	جمعیت کل	خانوار	نمونه
پردان	زهان	جابه‌جایی	۴۲۶	۱۳۴	۲۳
پایهان	زهان		۳۶۳	۱۳۶	۲۳
افین	افین	تجمع	۳۷۲	۴۰۲	۳۹
مهمان شهر	زیرکوه		۳۴۳	۹۸	۲۱
اردکول	زیرکوه	بازسازی	۳۵۵	۱۱۰	۲۲
دارج علیا	زیرکوه		۸۴	۲۳	۱۶

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵ و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان جنوبی، ۱۳۹۵

در این مطالعه با توجه به شاخص‌هایی که در مرور پیشینه تحقیقات به دست آمد، مجموعه‌ای از شاخص‌ها به‌عنوان شاخص‌های تأثیرگذار بر کیفیت زندگی روستائیان تعیین و مورد توجه قرار گرفته است. این شاخص‌ها را می‌توان در چهار بعد کلی اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، کالبدی- فضایی و بستر طبیعی طبقه‌بندی نمود که هر یک دربرگیرنده گویه‌های متعددی است. در جدول ۴ شاخص‌های مورد بررسی به تفکیک بیان شده است.

جدول ۴- شاخص‌های موردبررسی به تفکیک ابعاد کیفیت زندگی و مقدار آلفای کرونباخ

مقدار آلفا	گویه‌ها	شاخص‌ها	ابعاد
۰,۶۹۴	دسترسی به فرصت‌های شغلی، ثبات شغلی، رضایت از نوع شغل، رضایت از میزان درآمد	کیفیت اشتغال	اقتصادی
	ثبات درآمد، میزان پس‌انداز، میزان تنوع منابع درآمدی، میزان سطح زیر کشت، میزان تنوع منابع درآمدی، میزان درآمد از فعالیت‌های کشاورزی	کیفیت درآمد و ثروت	
۰,۷۷۷	میزان دسترسی به امکانات آموزشی، میزان کیفیت آموزش، وجود مقاطع تحصیلی مختلف	کیفیت آموزش	اجتماعی - فرهنگی
	میزان دسترسی به خدمات بهداشتی-درمانی، میزان کیفیت خدمات بهداشتی-درمانی، سلامت جسمانی و روانی، امید به آینده، عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌ها، برخورداری از امنیت اجتماعی	کیفیت سلامت و امنیت	
	امکان شرکت در امور سیاسی، امکان شرکت در ساخت‌وسازها، امکان عضویت در نهادهای اجتماعی، احساس تعلق و مالکیت نسبت به روستا	کیفیت مشارکت	
	داشتن سرگرمی مناسب، دسترسی به امکانات ورزشی، دسترسی به امکانات فرهنگی - هنری، میزان توانایی جهت مسافرت، میزان دیدویازدید از اقوام	کیفیت اوقات فراغت	
	وجود رابطه فامیلی، برقراری رابطه فامیلی، کمک و همیاری در امور کشاورزی، شرکت در مراسم عمومی، وجود رابطه همسایگی، میزان همگنی اجتماعی و فرهنگی ساکنان	کیفیت انسجام اجتماعی	
۰,۷۸۶	کیفیت مصالح، میزان تجهیزات و امکانات، میزان نظارت بر ساخت‌وساز، وضعیت قانونی زمین، متناسب بودن ابعاد مسکن با تعداد خانوار، مصون بودن فضای داخلی از دید بناهای مجاور	کیفیت مسکن	کالبدی - فضایی
	میزان برخورداری از برق سراسری، برخورداری از آب آشامیدنی سالم، برخورداری از تلفن، میزان کیفیت راه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل، دسترسی به منابع انرژی	کیفیت زیرساخت‌ها	
	میزان پاکیزگی و نظافت روستا، کیفیت جمع‌آوری و دفع زباله در روستا، کیفیت دفع آب‌های سطحی	کیفیت محیط	
۰,۷۱۳	میزان شیب زمین، جهت شیب زمین، میزان حاصلخیزی خاک، میزان مقاومت خاک، میزان آب‌های زیرزمینی، فاصله از گسل‌ها، فاصله از مسیل‌ها	کیفیت زمین	بستر طبیعی
۰,۸۸۵	۵۲ سؤال		متغیر کیفیت زندگی

مأخذ: پهلوان‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)، حاجی نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، محمدی استادکلایه و همکاران (۱۳۹۱)، محمدی استادکلایه و همکاران (۱۳۹۶)، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۵)، حیدری ساریان و همکاران (۱۳۹۵)؛ Zahran et al, 2018; Peek et al, 2015; Sharifi et al, 2017

۳- نتایج و بحث

نتایج حاصل از توصیف ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان (۷۴,۱) مرد هستند و بین ۳۲ تا ۴۸ سال سن دارند. بیش از ۶۷,۹ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات پایین‌تر از دیپلم هستند که از این میان ۵,۵ درصد آنان بی‌سواد، ۱۸,۵ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۴,۴ درصد تحصیلات سیکل، ۲۹,۵ درصد افراد دارای

تحصیلات دیپلم، ۸,۹ درصد افراد دارای تحصیلات فوق دیپلم و ۲۱,۹ درصد دارای تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس هستند.

۳-۱- بررسی شاخص های کیفیت زندگی در نقاط روستایی نمونه

همان طور که در روش شناسی اشاره شد جهت بررسی میزان تأثیر اجرای سیاست های اسکان مجدد در بعد عینی کیفیت زندگی روستاییان در منطقه مورد مطالعه از ۱۱ شاخص در قالب چهار بعد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، کالبدی - فضایی و بستر طبیعی استفاده شد. در این رابطه از پاسخگویان خواسته شده بر مبنای گویه های ذکر شده، میزان رضایت خود از شاخص های مورد نظر را در طیف ۵ گزینه ای لیکرت بیان نمایند.

برای بررسی بعد اقتصادی کیفیت زندگی در روستاهای نمونه از ۱۰ گویه در قالب دو شاخص کیفیت اشتغال و کیفیت درآمد و ثروت استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده میانگین دو شاخص کمتر از میانه نظری (یعنی ۳) است. میزان رضایت پاسخگویان از شاخص کیفیت درآمد و ثروت با میانگین ۲,۰۳۶ در سطح پایین محاسبه شده است. این امر می تواند با میزان بدهی افراد به بانک ها و مؤسسات مالی مرتبط باشد. در کل نیز در بعد اقتصادی با میانگین ۲,۱۵ کمترین میزان رضایت پاسخگویان از شرایط موجود وجود داشته است؛ که عدم رضایت از ابعاد اقتصادی طرح اسکان می تواند به علت افزایش فاصله بین محل سکونت و محل فعالیت و همچنین افزایش هزینه ها و کاهش سطح بهره وری نیروی کار است. یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار در این مسئله، در نظر نگرفتن شرایط طبیعی منطقه به ویژه محدودیت منابع آب و خاک و عدم توجه به امر اشتغالزایی در طرح اسکان و مکان یابی روستاها است. به طور کلی جابه جایی روستاها تأثیر مثبتی در افزایش اشتغال نداشته است به گونه ای که بررسی دیدگاه مردم در خصوص بهبود وضعیت اشتغال نشان می دهد که کمتر از ۲۸,۶ درصد از پاسخگویان معتقد به بهبود فرصت های اشتغال در محل جدید می باشند.

برای بررسی بعد اجتماعی - فرهنگی کیفیت زندگی در روستاهای نمونه از ۲۱ گویه در قالب ۵ شاخص کیفیت آموزش، کیفیت سلامت و امنیت، کیفیت مشارکت، کیفیت اوقات فراغت و کیفیت انسجام اجتماعی استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده میانگین دو شاخص کیفیت اوقات فراغت و کیفیت آموزش کمتر از میانه نظری (یعنی ۳) است که می تواند به خاطر نبود دبیرستان در روستاهای جابه جاشده باشد که مشکلات عدیده ای را در زمینه ادامه تحصیل دانش آموزان به خصوص دختران ایجاد کرده است. ولی میزان رضایت پاسخگویان از شاخص های کیفیت انسجام اجتماعی با میانگین ۳,۵۰۸ و کیفیت سلامت و امنیت با میانگین ۲,۷۹۳ در سطح نسبتاً مناسبی محاسبه شده است. در کل نیز در بعد اجتماعی - فرهنگی با میانگین ۲,۷۱۷ بیشترین میزان رضایت پاسخگویان از شرایط موجود وجود داشته است. مصاحبه های صورت گرفته با اهالی نشان داد که ساکنین از مشارکت در جهت دریافت امتیازات از نهادهای دولتی بهره می برند که میانگین ۲,۶۴۶ برای شاخص کیفیت مشارکت نیز تا حدودی این امر را تأیید می کند.

جدول ۵- ارزیابی وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی از دیدگاه روستاییان (درصد)

شاخص	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	کای اسکوئر
کیفیت اشتغال	۲۳,۶	۱۶,۷	۳۵,۴	۱۲,۵	۱۱,۸	۲,۲۹۷	۰,۸۲۶	۰,۰۰۰
کیفیت درآمد و ثروت	۱۸,۸	۳۴,۷	۲۸,۵	۱۵,۳	۲,۸	۲,۰۳۶	۰,۵۷۴	۰,۰۰۰
کیفیت آموزش	۱۸,۱	۳۴,۷	۴۴,۴	۲,۱	۷,۰	۲,۳۸۶	۰,۶۶۶	۰,۰۰۰
کیفیت سلامت و امنیت	۴,۲	۲۵,۰	۴۸,۶	۲۰,۸	۱,۴	۲,۷۹۳	۰,۵۴۹	۰,۰۰۰
کیفیت مشارکت	۸,۳	۲۶,۴	۲۶,۴	۲۹,۹	۹,۰	۲,۶۴۶	۰,۶۹۵	۰,۰۰۰
کیفیت اوقات فراغت	۸,۳	۳۷,۵	۳۷,۵	۱۳,۹	۲,۸	۲,۱۸۲	۰,۵۴۶	۰,۰۰۰
کیفیت انسجام اجتماعی	۲,۱	۱۹,۴	۲۷,۱	۳۸,۲	۱۳,۲	۳,۵۰۸	۰,۷۵۰	۰,۰۰۰
کیفیت مسکن	۶,۳	۱۱,۸	۲۲,۲	۴۳,۱	۱۶,۷	۲,۶۰۳	۰,۵۵۵	۰,۰۰۰
کیفیت زیرساخت	۷,۶	۱۹,۴	۲۷,۸	۲۶,۴	۱۸,۸	۲,۹۸۱	۰,۷۴۱	۰,۰۰۱
کیفیت محیط	۱۵,۳	۲۷,۸	۳۶,۱	۱۷,۴	۳,۵	۲,۲۱۸	۰,۶۹۱	۰,۰۰۰
کیفیت بستر طبیعی	۷,۷	۳۵,۴	۳۸,۲	۱۲,۵	۶,۳	۲,۵۳۷	۰,۵۸۱	۰,۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

برای بررسی بعد کالبدی- فضایی کیفیت زندگی در روستاهای نمونه از ۱۴ گویه در قالب ۳ شاخص کیفیت مسکن، کیفیت زیرساخت و کیفیت محیط استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده میانگین شاخص کیفیت محیط (۲,۲۱) کمتر از میانه نظری (یعنی ۳) است که می‌تواند به خاطر میزان پاکیزگی و نظافت روستا، کیفیت جمع‌آوری و دفع زباله در روستا، کیفیت دفع آب‌های سطحی باشد، چراکه وضعیت سامانه دفع فاضلاب و جمع‌آوری آب‌های سطحی نسبت به قبل بهبود یافته است و به ترتیب ۵۸ درصد و ۶۱ درصد از ساکنین روستاهای نمونه از وضعیت موجود سامانه دفع فاضلاب و جمع‌آوری آب‌های سطحی رضایت نسبتاً بالایی داشته‌اند؛ ولی میزان رضایت پاسخگویان از شاخص‌های کیفیت مسکن با میانگین ۲,۶ و کیفیت زیرساخت با میانگین ۲,۹۸ در سطح نسبتاً مناسبی محاسبه شده است. مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده در این خصوص نیز نشان می‌دهد که مسکن جدید نسبت به مسکن قبلی روستاییان از جنبه‌های مختلف (کیفیت مصالح، میزان تجهیزات و امکانات، میزان نظارت بر ساخت و ساز و ...) تغییر کرده ولی این مسکن جدید با ادامه فعالیت‌های قبلی روستاییان چندان سازگاری ندارد. همچنین بیش از ۷۳ درصد از مردم نظارت بر ساخت و ساز را نیز در مقایسه با گذشته بسیار خوب و مؤثر توصیف کرده‌اند و حدود ۵۴ درصد از سکونت در خانه جدید احساس امنیت می‌کنند. به لحاظ زیرساختی نیز پاسخگویان رضایت نسبتاً بالایی داشته‌اند. در کل نیز در بعد کالبدی- فضایی با میانگین ۲,۶۵۵ رضایت نسبی پاسخگویان از شرایط موجود وجود دارد. برای بررسی بعد بستر محیط طبیعی کیفیت زندگی در روستاهای نمونه از ۷ گویه در قالب شاخص کیفیت زمین، استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده میزان رضایت پاسخگویان از کیفیت زمین با میانگین ۲,۵۳۷ در حد

متوسط و نزدیک به میانه نظری است. نتایج به دست آمده از آزمون کای اسکوئر (خی دو) در سطح معناداری بیش از ۹۵ درصد بیانگر نزدیکی فراوانی مشاهده شده با فراوانی مورد انتظار در اکثر ابعاد و شاخص ها بر سطح کیفیت زندگی روستاییان نمونه است.

۳-۲- توزیع فضایی ابعاد کیفیت زندگی در سطح روستاهای نمونه

نتایج بررسی دیدگاه پاسخگویان در رابطه با ابعاد کیفیت زندگی در سطح روستاهای نمونه مشخص شد که در بعد اجتماعی - فرهنگی با میانگین ۲,۷۱۷ بالاترین و در بعد اقتصادی با میانگین ۲,۱۵ کمترین سطح رضایت مندی از شرایط موجود وجود دارد. کیفیت زندگی نیز با میانگین ۲,۵۷۶ در سطح متوسط است (جدول ۶).

جدول ۶- توزیع فضایی ارزیابی وضعیت ابعاد کیفیت زندگی از دیدگاه روستاییان (میانگین)

نام روستا	اقتصادی	اجتماعی- فرهنگی	کالبدی- فضایی	بستر طبیعی	کیفیت زندگی
اردکول	۱,۵۷	۲,۸۳	۲,۷۶	۲,۵۱	۲,۵۵
افین	۲,۱۷	۲,۵۷	۲,۷۵	۲,۶۲	۲,۵۴
پایهان	۲,۲۸	۲,۵۱	۲,۵۷	۲,۴۲	۲,۴۷
پردان	۲,۴۰	۲,۷۳	۲,۶۲	۲,۴۳	۲,۶۰
دارج علیا	۲,۱۷	۲,۹۳	۲,۴۷	۲,۶۴	۲,۶۳
مهمان شهر	۲,۳۰	۲,۹۳	۲,۶۳	۲,۵۸	۲,۶۹
کل	۲,۱۵	۲,۷۱۷	۲,۶۵۵	۲,۵۳۷	۲,۵۷۶
جامع	۰,۶۱۶	۰,۴۳۸	۰,۴۷۱	۰,۵۸۱	۰,۳۶۵
ه	۷۱,۳۳	۷۹,۸۸	۹۰,۱۷	۱۲۲,۷۵	۶۳,۱۱
نمونه	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۴۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همچنین با توجه به نتایج پژوهش مشخص شد روستای مهمان شهر و دارج علیا با میانگین ۲,۹۳ بالاترین سطح رضایت مندی از شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی را دارد و روستای اردکول با میانگین ۱,۵۷ پایین‌ترین سطح رضایت مندی را در بعد اقتصادی داشته است. روستای مهمان شهر با میانگین ۲,۶۹ بالاترین و روستای پایهان با میانگین ۲,۴۷ کمترین سطح کیفیت زندگی را دارد این می‌تواند در نتیجه مناسب‌تر بودن راهبرد تجمیع نسبت به راهبرد جابه‌جایی در سطح روستاهای نمونه باشد در واقع راهبرد جابه‌جایی در روستاهای نمونه نیز با مشکلات اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی همراه بوده است به طوری که در روستاهای پایهان و پردان سطح کیفیت زندگی به نسبت پایین‌تر از سایر روستاهای نمونه است.

۳-۳- ارزیابی شاخص‌های تحقیق در کیفیت زندگی جامعه روستایی نمونه

برای بررسی نرمال بودن متغیرها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است؛ که با توجه به نتایج این آزمون عمده داده‌ها نرمال بوده است؛ بنابراین می‌توان برای به دست آوردن وضعیت متغیرهای تحقیق در هر یک از شاخص‌های موردنظر، میانگین نظرات روستاییان مورد مقایسه قرارداد و برای این منظور از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شد. با توجه به طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت در سؤالات تحقیق، عدد ۳ به‌عنوان میانه نظری ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی از دیدگاه روستاییان انتخاب شد. بر اساس نتایج آزمون T، مقدار آماره T در تمام شاخص‌ها به جز کیفیت انسجام اجتماعی پایین‌تر از مقدار متوسط (یعنی ۳) است؛ بنابراین برای ارزیابی شاخص‌ها عدد ۳ به‌عنوان میانه نظری در نظر گرفته شد و آزمون T تک نمونه‌ای دوباره انجام شد، که نتایج در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷- ارزیابی میزان اهمیت شاخص‌های مؤثر در سطح کیفیت زندگی از نظر روستاییان

استاندارد آزمون = ۳						شاخص‌ها
فاصله اطمینان ۹۵٪ اختلاف		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره T	
بالا	پایین					
-۰,۵۷	-۰,۸۴	-۰,۷۰	۰,۰۰۰	۱۴۳	-۱۰,۲۲	کیفیت اشتغال
-۰,۸۷	-۱,۰۶	-۰,۹۶	۰,۰۰۰	۱۴۳	-۲۰,۱۴	کیفیت درآمد و ثروت
-۰,۵۰	-۰,۷۲	-۰,۶۱	۰,۰۰۰	۱۴۳	-۱۱,۰۵	کیفیت آموزش
-۰,۱۲	-۰,۳۰	-۰,۲۱	۰,۰۰۰	۱۴۳	-۴,۵۳	کیفیت سلامت و امنیت
-۰,۲۴	-۰,۴۷	-۰,۳۵	۰,۰۰۰	۱۴۳	-۶,۱۲	کیفیت مشارکت
-۰,۷۳	-۰,۹۱	-۰,۸۲	۰,۰۰۰	۱۴۳	-۱۷,۹۸	کیفیت اوقات فراغت
۰,۶۳	۰,۳۸	۰,۵۱	۰,۰۰۰	۱۴۳	۸,۱۴	کیفیت انسجام اجتماعی
-۰,۳۱	-۰,۴۹	-۰,۴۰	۰,۰۰۰	۱۴۳	-۸,۵۹	کیفیت مسکن
۰,۱۰	-۰,۱۴	-۰,۰۲	۰,۷۵۳	۱۴۳	-۰,۳۲	کیفیت زیرساخت
-۰,۶۷	-۰,۹۰	-۰,۷۸	۰,۰۰۰	۱۴۳	-۱۳,۵۹	کیفیت محیط
-۰,۳۷	-۰,۵۶	-۰,۴۶	۰,۰۰۰	۱۴۳	-۹,۵۶	کیفیت بستر طبیعی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

یکی از شاخص‌های مهم در افزایش کیفیت زندگی جامعه روستایی نمونه، انسجام اجتماعی است بطوری‌که در شاخص انسجام اجتماعی، مقدار آماره T ۸/۱۴ و مقدار سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۰۰ که از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به میانگین مربوطه که بیشتر از ۳ است، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که روستاییان شاخص انسجام اجتماعی را در افزایش کیفیت زندگی مهم دانسته‌اند. لازم به ذکر است که مقدار آماره T در شاخص‌های کیفیت

زیرساخت، سلامت و امنیت، مشارکت و مسکن نیز از نظر روستاییان مهم‌تر از سایر شاخص‌ها تشخیص داده شده است. لازم به ذکر است که در شاخص کیفیت بستر طبیعی سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است.

۳-۴- بررسی تفاوت سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه از نظر شاخص‌های کیفیت زندگی

برای مقایسه میانگین‌ها باهم از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) استفاده شده است. البته قبل از انجام این آزمون، نرمال بودن متغیرها با آزمون کلموگروف-اسمیرنوف بررسی شد که نرمال بودن داده‌های کیفیت زندگی تأیید شد. با توجه به نتایج آزمون آنالیز واریانس، نسبت F که در جدول ۸، برای هر شاخص مشخص شده است، نشان می‌دهد که سطح معناداری در ۷ شاخص کیفیت اشتغال، کیفیت درآمد، کیفیت آموزش، کیفیت مشارکت، کیفیت انسجام اجتماعی، کیفیت زیرساخت و کیفیت محیط پایین‌تر از ۰,۰۵ است، نتایج آزمون معنی‌دار است ($H_1 = \text{Sig} < 0/05$)؛ یعنی فرض H_1 رد و فرض H_0 پذیرفته می‌شود، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، این شاخص‌ها، تفاوت معنی‌داری بین سه سیاست اسکان مجدد به لحاظ سطح کیفیت زندگی وجود دارد و سطح رضایت‌مندی پاسخگویان از کیفیت زندگی در هر سه الگوی اسکان مجدد تا حدودی یکسان نیست، ولی در سایر شاخص‌ها بین رضایت‌مندی پاسخگویان از کیفیت زندگی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۸- نتایج آزمون آنالیز واریانس در بین سیاست‌های سه گانه اسکان مجدد

شاخص	منبع متغیر	مجموع مربع	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
کیفیت اشتغال	بین گروهی	۸,۶۴۴	۲	۴,۳۲۲	۶,۱۵۹	۰,۰۰۱
	درون گروهی	۸۸,۸۵۲	۱۴۱	۰,۶۳۰		
	کل	۹۷,۴۹۶	۱۴۳			
کیفیت درآمد	بین گروهی	۵,۰۱۰	۲	۲,۵۰۵	۸,۳۷۸	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۴۲,۱۶۲	۱۴۱	۰,۲۹۹		
	کل	۴۷,۱۷۲	۱۴۳			
کیفیت آموزش	بین گروهی	۵,۰۹۵	۲	۲,۵۴۸	۶,۱۵۲	۰,۰۰۳
	درون گروهی	۵۸,۳۸۶	۱۴۱	۰,۴۱۴		
	کل	۶۳,۴۸۱	۱۴۳			
کیفیت سلامت و امنیت	بین گروهی	۱,۳۹۹	۲	۰,۷۰۰	۲,۳۶۸	۰,۰۹۷
	درون گروهی	۴۱,۶۵۵	۱۴۱	۰,۲۹۵		
	کل	۴۳,۰۵۴	۱۴۳			
کیفیت مشارکت	بین گروهی	۶,۲۳۵	۲	۳,۱۱۸	۶,۹۹۷	۰,۰۰۱
	درون گروهی	۶۲,۸۲۷	۱۴۱	۰,۴۴۶		
	کل	۶۹,۰۶۳	۱۴۳			
کیفیت اوقات فراغت	بین گروهی	۰,۱۹۹	۲	۰,۰۹۹	۰,۳۳۰	۰,۷۱۹
	درون گروهی	۴۲,۴۳۴	۱۴۱	۰,۳۰۱		

شاخص	منبع متغیر	مجموع مربع	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
کیفیت انسجام اجتماعی	کل	۴۲,۶۳۳	۱۴۳		۶,۴۰۶	۰,۰۰۲
	بین گروهی	۶,۶۹۷	۲	۳,۳۴۸		
	درون گروهی	۷۳,۶۹۳	۱۴۱	۰,۵۲۳		
کیفیت مسکن	کل	۸۰,۳۹۰	۱۴۳		۲,۰۶۰	۰,۱۳۱
	بین گروهی	۱,۲۴۹	۲	۰,۶۲۵		
	درون گروهی	۴۲,۷۵۰	۱۴۱	۰,۳۰۳		
کیفیت زیرساخت	کل	۷۸,۴۲۶	۱۴۳		۳,۴۳۴	۰,۰۳۵
	بین گروهی	۳,۶۴۳	۲	۱,۸۲۱		
	درون گروهی	۷۴,۷۸۳	۱۴۱	۰,۵۳۰		
کیفیت محیط	کل	۶۸,۲۹۳	۱۴۳		۸,۷۹۶	۰,۰۰۰
	بین گروهی	۷,۵۷۵	۲	۳,۷۸۸		
	درون گروهی	۶۰,۷۱۸	۱۴۱	۰,۴۳۱		
کیفیت زمین	کل	۴۸,۳۰۲	۱۴۳		۱,۳۵۱	۰,۲۶۲
	بین گروهی	۰,۹۰۹	۲	۰,۴۵۴		
	درون گروهی	۴۷,۳۹۴	۱۴۱	۰,۳۳۶		

با توجه به معنادار بودن اختلاف میانگین نظرات روستاییان در شاخص‌های کیفیت زندگی، جهت بررسی اینکه کدام جفت از میانگین‌های مربوط به شاخص‌ها با یکدیگر تفاوت معناداری دارند، از آزمون توکی استفاده گردید و به‌منظور جلوگیری از اطاله بحث فقط به مواردی پرداختیم که اختلاف میانگین در آن‌ها معنادار شده است؛ لذا شاخص‌هایی که اختلاف معناداری در سه الگو نداشت در جدول ۹ حذف شده است.

جدول ۹- مقایسه میانگین احساس رضایت از کیفیت زندگی در الگوهای اسکان مجدد (نتایج آنالیز واریانس

یک‌طرفه)

شاخص	الگو (I)	الگو (J)		تفاوت میانگین روستاها (I-J)	سطح معناداری	95% Confidence Interval	
		سیاست	میانگین (J)			Upper Bound	Lower Bound
کیفیت اشتغال	جابه‌جایی	تجمع	۲,۳۰	۰,۲۷۸	۰,۱۷۵	-۰,۰۸۹	۰,۶۴۵
		بازسازی	۱,۹۳	۰,۶۴۹*	۰,۰۰۱	۰,۲۳۴	۱,۰۶۴
کیفیت درآمد	جابه‌جایی	تجمع	۲,۱۵	-۰,۰۰۴	۰,۹۹۹	-۰,۲۵۷	۰,۲۴۹
		بازسازی	۱,۷۲	۰,۴۲۵*	۰,۰۰۲	۰,۱۳۹	۰,۷۱۱
	تجمع	جابه‌جایی	۲,۱۴	۰,۰۰۴	۰,۹۹۹	-۰,۲۴۹	۰,۲۵۷
		بازسازی	۱,۷۴	۰,۴۲۹*	۰,۰۰۱	۰,۱۵۹	۰,۶۹۹

95% Confidence Interval		سطح معناداری	تفاوت میانگین روستاها (I-J)	الگو (J)		میانگین (I)	الگو (I)	شاخص
Upper Bound	Lower Bound			میانگین (J)	سیاست			
۰,۶۴۳	۰,۰۴۷	۰,۰۱۹	۰,۳۴۵*	۲,۱۷	تجمع	۲,۵۱	جابه‌جایی	کیفیت آموزش
۰,۲۶۶	-۰,۴۰۸	۰,۸۷۱	-۰,۰۷۱	۲,۵۹	بازسازی	۲,۱۷	تجمع	
-۰,۰۴۷	-۰,۶۴۳	۰,۰۱۹	-۰,۳۴۵*	۲,۵۱	جابه‌جایی	۲,۹۹	بازسازی	کیفیت مشارکت
-۰,۰۹۹	-۰,۷۳۴	۰,۰۰۶	-۰,۴۱۶*	۲,۵۹	بازسازی			
۰,۸۷۰	۰,۱۷۱	۰,۰۰۲	۰,۵۲۰*	۲,۴۷	جابه‌جایی	۳,۲۲	جابه‌جایی	انسجام اجتماعی
۰,۷۵۷	۰,۰۹۸	۰,۰۰۷	۰,۴۲۸*	۲,۵۷	تجمع			
-۰,۰۱۵	-۰,۶۸۴	۰,۰۳۸	-۰,۳۵۰*	۳,۵۷	تجمع	۳,۲۴	بازسازی	کیفیت زیرساخت
-۰,۱۷۷	-۰,۹۳۴	۰,۰۰۲	-۰,۵۵۶*	۳,۷۷	بازسازی			
۰,۷۸۵	۰,۰۲۳	۰,۰۳۵	۰,۴۰۴*	۲,۸۴	جابه‌جایی	۱,۸۳	بازسازی	کیفیت محیط
۰,۶۷۵	-۰,۰۴۴	۰,۰۹۸	۰,۳۱۵	۲,۹۳	تجمع			
-۰,۲۰۵	-۰,۸۹۱	۰,۰۰۱	-۰,۵۴۸*	۲,۳۸	جابه‌جایی	۲,۳۳	تجمع	
-۰,۱۸۱	-۰,۸۲۸	۰,۰۰۱	-۰,۵۰۵*	۲,۳۳	تجمع			

(*اختلاف میانگین‌ها در سطح احتمال ۰/۰۵ معنی‌دار است).

همان‌گونه که نتایج آزمون توکی نشان می‌دهد، در شاخص کیفیت اشتغال، بین میانگین الگوی جابه‌جایی با الگوی بازسازی اختلاف معناداری وجود دارد ولی الگوی تجمع با دو الگوی بازسازی و جابه‌جایی تفاوت معنادار ندارد. در شاخص کیفیت درآمد، بین میانگین الگوی جابه‌جایی با الگوی بازسازی و الگوی تجمع و بازسازی اختلاف معناداری وجود دارد ولی الگوی تجمع با الگوی جابه‌جایی تفاوت معنادار ندارد. در شاخص کیفیت آموزش، تنها بین میانگین الگوی جابه‌جایی با الگوی بازسازی تفاوت معنادار ندارد. در شاخص کیفیت مشارکت و کیفیت محیط، بین میانگین الگوی بازسازی با الگوی تجمع و جابه‌جایی، در شاخص کیفیت انسجام اجتماعی، بین میانگین الگوی جابه‌جایی با الگوی بازسازی و تجمع و در شاخص کیفیت زیرساخت، بین میانگین الگوی بازسازی با الگوی جابه‌جایی اختلاف معناداری وجود دارد.

۴- نتیجه‌گیری

کشور ایران به دلیل تنوع قابل توجه شرایط طبیعی و جغرافیایی خود دارای سکونتگاه‌های روستایی بسیار متنوع می‌باشد. این مسئله لزوم جابه‌جایی و اسکان مجدد را برای روستاها در برابر بلایای طبیعی اعم از سیل، زمین‌لرزه، رانش و لغزش اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در این مطالعه، اثرات راهبرد اسکان مجدد بر کیفیت زندگی ساکنان روستاهای جابه‌جاشده مورد بررسی قرار گرفت. مقایسه سه الگوی بازسازی، جابه‌جایی و تجمع روستاها در منطقه مورد مطالعه نشان داد که هر یک از الگوهای مورد مطالعه مزایا و معایبی دارند و هیچ‌کدام از الگوها نتوانسته‌اند در تمامی قلمروها در کیفیت زندگی جوامع مورد مطالعه بهبود چشمگیری ایجاد کنند. نتایج بررسی دیدگاه پاسخگویان در رابطه با ابعاد

کیفیت زندگی در سطح روستاهای نمونه مشخص شد که در بعد اجتماعی - فرهنگی با میانگین ۲,۷۱۷ بالاترین و در بعد اقتصادی با میانگین ۲,۱۵ کمترین سطح رضایت‌مندی از شرایط موجود وجود دارد. کیفیت زندگی نیز با میانگین ۲,۵۷۶ در سطح متوسط است. این نتایج با یافته‌های فال سلیمان و همکاران (۱۳۹۱)، رضوانی و همکاران (۱۳۹۱)، پهلوان‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) و حاجی نژاد و همکاران (۱۳۹۴) همسو می‌باشد.

نتایج آزمون T تک نمونه‌ای نیز نتایج فوق را تأیید کرد و نتایج نشان داد که یکی از شاخص‌های مهم در افزایش کیفیت زندگی جامعه روستایی نمونه، انسجام اجتماعی است بطوری‌که در شاخص انسجام اجتماعی، مقدار آماره T ۱۶/۱۴ و مقدار سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۰۰ که از ۰/۰۵ کمتر است. همچنین مقدار آماره T در شاخص‌های کیفیت زیرساخت، سلامت و امنیت، مشارکت و مسکن نیز از نظر روستاییان مهم تشخیص داده شده است. لازم به ذکر است که در شاخص کیفیت بستر طبیعی سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است. نتایج به دست آمده با یافته‌های حاجی نژاد و همکاران (۱۳۹۴). ب) مطابقت دارد.

همچنین با توجه به نتایج پژوهش مشخص شد روستای مهمان شهر و دارج علیا با میانگین ۲,۹۳ بالاترین سطح رضایت‌مندی از شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی را دارد و روستای اردکول با میانگین ۱,۵۷ پایین‌ترین سطح رضایت‌مندی را در بعد اقتصادی داشته است. روستای مهمان شهر با میانگین ۲,۶۹ بالاترین و روستای پایهان با میانگین ۲,۴۷ کمترین سطح کیفیت زندگی را دارد این می‌تواند در نتیجه مناسب‌تر بودن سیاست تجمیع نسبت به سیاست جابه‌جایی در سطح روستاهای نمونه باشد. با توجه به نتایج آزمون آنالیز واریانس، که بین سطح کیفیت زندگی با الگوی اسکان مجدد در روستاهای نمونه تفاوت معناداری وجود ندارد ولی سطح معناداری در ۷ شاخص کیفیت اشتغال، کیفیت درآمد، کیفیت آموزش، کیفیت مشارکت، کیفیت انسجام اجتماعی، کیفیت زیرساخت و کیفیت محیط پایین‌تر از ۰,۰۵ است، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، این شاخص‌ها، تفاوت معنی‌داری بین سه سیاست اسکان مجدد به لحاظ سطح کیفیت زندگی وجود دارد و سطح رضایت‌مندی پاسخگویان از کیفیت زندگی در هر سه الگوی اسکان مجدد تا حدودی یکسان نیست، ولی در سایر شاخص‌ها بین رضایت‌مندی پاسخگویان از کیفیت زندگی تفاوت معناداری وجود ندارد. این نتایج با مطالعات محمدی استادکلایه و همکاران (۱۳۹۶) و حیدری ساریان و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت سیاست‌های اسکان مجدد نباید تنها به معنای جبران مالی یا ارائه وسایل زندگی تلقی شود. بلکه باید همه زمینه‌ها و جنبه‌های زندگی (مالی، شغلی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و کالبدی و ...) را در برگیرد تا در طول فرآیند اجرای طرح موجب کاهش مشقت و سختی افراد شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به دلیل عدم توجه جدی به امور اشتغال‌زایی و محدودیت منابع آب و خاک از یک‌سو و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی محدودی که در بخش خدمات دولتی ایجاد شده از سوی دیگر، اجتماعات

جابه‌جاشده به بهره‌برداری مجدد از منابع موجود در مکان‌های قبلی روی آورده و همچنان به مهاجرت‌های فصلی به سایر مکان‌ها از جمله شهرهای بزرگ ادامه می‌دهند. افزایش فاصله بین مزارع و محل سکونت سبب شده است که زارعان وقت بیشتری جهت رفت‌وآمد بین مزارع و محل سکونت خود صرف کنند که این صرف وقت بیشتر در رسیدن به مزرعه به‌نوعی در افزایش هزینه‌های تولید نیز مؤثر است. لذا لازم است منابع معیشتی مناسب به‌عنوان جایگزین در نظر گرفته شود و به نزدیکی محل جدید و محصولات، ارتباط با مراکز اقتصادی و بازار کار و خدمات توجه لازم مبذول گردد و فضای زیستی با الگوهای زیستی متناسب و سازگار باشد. قلمرو اشتغال با توجه به این‌که امتیاز پایین‌تری را در بین قلمروهای موردبررسی کیفیت زندگی به خود اختصاص داده است، نیاز به بررسی و توجه بیشتری دارد. آموزش مشاغل مهارتی و فنی به روستاییان به‌ویژه جوانان، ایجاد تنوع شغلی و ایجاد بیمه‌های کم‌هزینه شغلی مخصوص روستاییان برای افزایش ضریب امنیت شغلی از جمله پیشنهادهایی است که می‌توان جهت بهبود این قلمرو در منطقه مورد مطالعه ارائه داد.

در پایان این نکته قابل ذکر است که فارغ از انتخاب هر الگویی برای اسکان مجدد، توجه به وجود شرایط زیستی در محل جدید برای برخورداری از شرایط کار و زندگی مردم در یک سکونتگاه زیست پذیر از بیش‌ترین اهمیت برخوردار است و باید تلاش برنامه ریزان بر فراهم ساختن کیفیت مناسب زندگی در سکونتگاه جدید - با هر الگویی از اسکان مجدد- باشد.

کتابنامه

- افراخته، حسن؛ ۱۳۷۶. الزامات اقتصادی، اجتماعی در بازسازی سکونتگاه‌های آسیب‌دیده. تحقیقات جغرافیایی. شماره ۴۷، صص ۱۲۰ - ۱۳۴.
- ایزدی خرامه، حسن؛ ۱۳۷۶. بررسی پیامدهای تجمیع روستاهای تخریب شده بر اثر بلایای طبیعی در استان فارس نمونه مورد: شهرک ایثار. مجموعه مقالات ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. همدان، صص ۱۱۲-۱۶۲.
- پهلوانزاده، حمیده؛ رضوانی، محمدرضا؛ محمدی استادکلیا، امین؛ ۱۳۹۱. ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام شده پس از سوانح طبیعی (مورد: مجموعه ادغامی پیشکمر). مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۷، صص ۹۷-۱۱۵.
- پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ بدری، سید علی؛ ۱۳۹۰. راهبردها و سیاست‌های توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (با تأکید بر تجربیات جهانی و ایران). انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. تهران.
- تقوایی، علی‌اکبر؛ بهرام پور، مهدی؛ شاهین راد، مهنوش؛ ۱۳۸۸. بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه؛ آسیب‌شناسی - رهنموده. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر. سال دوم. شماره ۲، صص ۱۱۲-۱۰۵.

- حاجی نژاد، علی؛ بذرافشان، جواد؛ وثوقی، حمزه؛ خانلو، جلال‌الدین؛ بدری، علی؛ ۱۳۹۴. ب. ارزیابی راهبردهای اسکان مجدد پس از مخاطره زلزله در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان آبگرم، شهرستان اردبیل)، مجله مخاطرات محیط طبیعی. سال پنجم. شماره ۹، صص ۲۰-۱.
- حاجی نژاد، علی؛ عنابستانی، علی‌اکبر؛ نوروزی، ملیحه؛ خاتمی، سیده سمیه؛ ۱۳۹۴. الف. سنجش رضایت‌مندی از کیفیت زندگی در مجتمع‌های زیستی احداث شده پس از رویداد زلزله مطالعه موردی: شهرستان زیرکوه (قاین). جغرافیا و مخاطرات محیطی. سال چهارم. شماره ۳، صص ۷۴-۶۱.
- حیدری ساریان، وکیل؛ ۱۳۹۳. تحلیل اثرات وقوع زلزله در مناطق روستایی شهرستان ورزقان (مطالعه موردی: دهستان ازومدل شمالی). جغرافیا و مخاطرات محیطی. سال سوم، شماره ۳، صص ۴۰-۶۱.
- حیدری ساریان، وکیل؛ مجنون‌توتاخانه، علی؛ نقابی، محبوبه؛ ۱۳۹۵. بررسی و ارزیابی تأثیر الگوهای اسکان مجدد بر تغییرات سرمایه اجتماعی در روستاهای زلزله‌زده مطالعه موردی: روستاهای زلزله‌زده شهرستان ورزقان. جغرافیا و توسعه. سال چهاردهم. شماره ۴۳، صص ۷۰-۵۱.
- رجبی، نجیب‌الله؛ ۱۳۸۴. تاریخ و جغرافیای شهرستان قاینات؛ توانمندی‌ها و راهبردهای توسعه. انتشارات شهر آشوب. تهران.
- رحمتی، محمدمهدی؛ ۱۳۸۵. دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی ادغام روستاها در منطقه زلزله‌زده رودبار و منجیل. مجله مطالعات اجتماعی ایران. شماره ۲، صص ۱۱۰-۸۳.
- رضوانی، محمدرضا؛ کوکبی، لیلا؛ منصوریان، حسین؛ ۱۳۹۲. تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی (مطالعه موردی: شهرک زنجیران و شهرک اینار - استان فارس). مسکن و محیط روستا. سال ۳۲. شماره (پیاپی) ۱۴۴، صص ۱۰۶-۸۷.
- رضوانی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین؛ ۱۳۸۷. سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی. روستا و توسعه. سال یازدهم، شماره ۳، صص ۲۶-۱.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ بدری، سید علی؛ ۱۳۸۲. ارزیابی پیامدهای اقتصادی ادغام روستاها پس از حادثه زلزله از دیدگاه توسعه پایدار: مورد روستاهای بالکلور و جمال‌آباد از شهرستان طارم علیا. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۷(۲)، ۶۰-۲۳.
- سعیدی، عباس؛ حسینی حاصل، صدیقه؛ ۱۳۸۸. شالوده مکانیابی و استقرار روستاهای جدید. انتشارات شهیدی. تهران.
- عنابستانی، علی‌اکبر؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ جعفری، فهیمه؛ ۱۳۹۵. بررسی تأثیر اجرای طرح هادی روستایی بر کیفیت عینی زندگی روستاییان شهرستان فریمان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. سال ۱۶. شماره پیاپی ۴۳، صص ۱۰۵-۸۱.
- غفاری، غلامرضا؛ کریمی، علیرضا؛ نودری، حمزه؛ ۱۳۹۱. روند مطالعه کیفیت زندگی در ایران. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. سال اول. شماره ۳، صص ۱۳۴-۱۰۷.

فال سلیمان، محمود؛ حجتی پور، محمد؛ جمشیدی، کمال؛ ۱۳۹۱. آسیب‌پذیری عناصر کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در مناطق زلزله‌خیز (نمونه: شهرستان‌های قاینات و زیرکوه). مجله آمایش جغرافیایی فضا. سال دوم. شماره ۶، صص ۷۵-۹۸.

فتحی، سروش؛ مطلق، معصومه؛ ۱۳۸۹. رویکرد نظری بر توسعه پایدار روستایی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی. شماره ۲، صص ۴۷-۶۶.

قاعد رحمتی، صفر؛ خادم الحسینی، احمد؛ سیاوشی، طاهره؛ ۱۳۹۲. تحلیل میزان ریسک‌پذیری سکونتگاه‌های شهری استان لرستان از خطر زلزله. فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای. سال سوم. شماره ۹، صص ۱-۱۴.

قالیباف، محمدباقر؛ رمضان زاده لسبویی، مهدی؛ یاری شگفتی، اسلام؛ ۱۳۸۸. سنجش میزان رضایتمندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی: مطالعه موردی بخش نوسود استان کرمانشاه. روستا و توسعه. سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۱۶۳-۱۸۴.

گرکانی، امیرحسین؛ رحیم بخش، فاطمه؛ ۱۳۹۳. بررسی بازسازی روستای نایبند استان خراسان جنوبی. دو فصلنامه علمی و پژوهشی مدیریت بحران. شماره ۲، صص ۷۶-۶۵.

محمدی استادکلانته، امین؛ لنگرودی، سید حسن؛ پهلوان‌زاده، حمیده؛ ۱۳۹۳. بررسی و سنجش پایداری اجتماعی الگوهای مختلف اسکان مجدد پس از بلایا. اولین همایش علوم جغرافیایی ایران. دانشگاه تهران.

محمدی استادکلایه، امین؛ خراسانی، محمدامین؛ پهلوان‌زاده، حمیده؛ ۱۳۹۶. تحلیل و سنجش آثار اسکان مجدد بر زیست‌پذیری جوامع روستایی (مطالعه موردی روستاهای سیل‌زده شرق استان گلستان). مسکن و محیط روستا. سال ۳۶. شماره (پیاپی) ۱۶۰، صص ۷۰-۵۹.

محمدی استادکلایه، امین؛ مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ رضوانی، محمدرضا؛ قدیری معصوم، مجتبی؛ ۱۳۹۱. ارزیابی اثرات الگوهای راهبرد اسکان مجدد پس از بلایای طبیعی بر کیفیت زندگی روستایی مطالعه موردی: روستاهای جابه‌جا شده شرق استان گلستان. مجله جغرافیا و مخاطرات طبیعی. شماره ۴، صص ۳۷-۵۰.

مسگری هوشیار، سارا؛ ۱۳۸۷. ارزیابی بازسازی سکونتگاه‌های روستایی استان اردبیل پس از زلزله ۱۳۷۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد بازسازی پس از سانحه. دانشگاه شهید بهشتی.

منتظریون، مریم؛ ۱۳۹۰. بررسی فرایند جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی در برنامه بازسازی پس از سیل ۱۳۸۴ شرق استان گلستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد بازسازی پس از سانحه. دانشکده معماری و شهرسازی. دانشگاه شهید بهشتی تهران.

نیاستی، معصومه؛ گرکانی، سید امیرحسین؛ ۱۳۹۷. بررسی آسیب‌پذیری سکونتگاه‌ها در نواحی روستایی مطالعه مقایسه‌ای شهر فراغی و روستاهای سیل‌زده شرق استان گلستان. تحلیل فضایی مخاطرات محیطی. سال پنجم.

شماره ۱، صص ۶۷-۸۲

- Aldrich D P., 2012. Social capital in post disaster recovery: towards a resilient and compassionate East Asian community. *Economic and welfare impacts of disasters in East Asia and policy responses*: 157-178.
- Bathrellos G D, Gaki-Papanastassiou K, Skilodimou H D, Papanastassiou D, Chousianitis K G., 2012. Potential suitability for urban planning and industry development using natural hazard maps and geological–geomorphological parameters. *Environmental earth sciences* 66(2): 537-548.
- Baycan Levent T, Nijkamp P., 2006. Quality of urban life a taxonomic perspective. *Journal of Studies in Regional Science* 36(2): 1-5.
- EM-DAT C R E D., 2016. The OFDA/CRED International Disaster Database. Universite Catholique de Louvain, Brussels, Belgium.
- Epley D, Menon M., 2008. A method of assembling cross-sectional indicators into a community quality of life. *Social Indicators Research* 88(2): 281-296.
- Fleming DA, Chong A, Bejarano HD., 2014. Trust and reciprocity in the aftermath of natural disasters. *The Journal of Development Studies* 50(11): 1482-1493.
- Ge J, Hokao K., 2006. Research on residential lifestyles in Japanese cities from the viewpoints of residential preference, residential choice and residential satisfaction. *Landscape and urban planning* 78(3): 165-178.
- Guha-Sapir D, Vos F, Below R, Ponserre S., 2012. Annual disaster statistical review 2011: the numbers and trends. Centre for Research on the Epidemiology of Disasters (CRED).
- Iuchi K., 2014. Planning resettlement after disasters. *Journal of the American Planning Association* 80(4): 413-425.
- Lansing J. B, Marans R., 1969. Envaluation of neighborhood. *Journal of the American Institute of Planners* 3(35): 195-199.
- Lee YJ., 2008. Subjective quality of life measurement in Taipei. *Building and Environment* 43(7): 1205-1215.
- Ogaboh OA, Akpanudoedehe JJ, Ushie EM., 2010. Socio-economic and cultural impacts of resettlement on Bakassi people of Cross River State, Nigeria. *Studies in Sociology of Science* 1(2): 50-62.
- Oruonye ED., 2011. The socio-economic impact of the Lake Chad resettlement scheme, Nigeria. *African Journal of Environmental science and technology* 5(3): 238-245.
- Papanikolaou V, Adamis D, Kyriopoulos J., 2012. Long term quality of life after a wildfire disaster in a rural part of Greece. *Open Journal of Psychiatry* 2(02): 164.
- Paton D, Sagala S, Okada N, Jang LJ, Bürgelt PT, Gregg CE., 2010. Making sense of natural hazard mitigation: Personal, social and cultural influences. *Environmental Hazards* 9(2): 183-196.
- Peek L, Fothergill A, Pardee JW, Weber L., 2018. Studying displacement: new networks, lessons learned. *Sociological Inquiry* 84(3): 354-359.
- Poll H F P M V., 1997. The perceived quality of the urban residential environment (Doctoral dissertation, Ph. D. Thesis). Center for Energy and Environmental Studies (IVEM), University of Groningen (RuG). The Netherlands.
- Ptackova J., 2012. Implementation of resettlement programmes amongst pastoralist communities in Eastern Tibet. In *Pastoral practices in High Asia* (pp. 217-234). Springer, Dordrecht.
- Rashed T, Weeks J., 2003. Assessing vulnerability to earthquake hazards through spatial multicriteria analysis of urban areas. *International Journal of Geographical Information Science* 17(6): 547-576.

- Rezvani MR, Mansourian H., 2013. Developing small cities by promoting village to town and its effects on quality of life for the local residents. *Social indicators research* 110(1): 147-170.
- Santos L D, Martins I., 2007. Monitoring urban quality of life: The Porto experience. *Social Indicators Research* 80(2): 411-425.
- Sharifi F, Samadi S Z, Wilson CA., 2017. Causes and consequences of recent floods in the Golestan catchments and Caspian Sea regions of Iran. *Natural hazards* 61(2): 533-550.
- Wachinger G, Renn O, Begg C, Kuhlicke C., 2013. The risk perception paradox—implications for governance and communication of natural hazards. *Risk analysis* 33(6): 1049-1065.
- Zahran S, Peek L, Snodgrass JG, Weiler S, Hempel L., 2015. Economics of disaster risk, social vulnerability, and mental health resilience. *Risk Analysis: An International Journal* 31(7): 1107-1119.